

خانواده و تکلیف پژوهشی

لیلا سلیمه دار

دکترای برنامه ریزی آموزشی و معلم

شماره

پژوهش و تکلیف هر دو از عبارتهای آشنایی هستند که امروزه توانسته‌اند جایگاهی خاص را در آموزش به خود اختصاص دهند. از سوی دیگر خانواده‌ها سهمی ویژه در یادگیری‌های دانش‌آموز دارند، به شکلی که در آموزش و پرورش نوین، آموزش خانواده به منظور رویارویی مستقیم آنان با یادگیری‌های دانش‌آموز، اصلی اساسی به‌شمار می‌آید. در ادامه یادداشتهایی که در شماره‌های گوناگون سال گذشته درباره نقش‌های پژوهشی آموزگاران داشتیم، امسال نیز سلسله مطالبی را ارائه خواهیم داد که به ارتباط بین سه مقوله‌ی دانش‌آموز، خانواده و تفکر پژوهشی خواهد پرداخت. در این مجموعه مقالات، توسعه‌ی فرهنگ پژوهش در میان خانواده‌ها با نظر به ارتباط میان معلمان و خانواده‌ها بررسی خواهد شد. این مقاله، به عنوان اولین بخش از این مطالب، به موضوع خانواده و نقش آن در یادگیری‌های پژوهش محور می‌پردازد.

کرد. این رویکرد فکری نیز مانند سایر رویکردها یا نظام‌های فکری دارای مؤلفه‌هایی از این‌گونه است:

۱. محوریت فرد و جمع انسان و پرداختن به نیازها و رغبت‌ها و استعدادهای او
 ۲. فرایند شک‌گرایی و مهم تلقی کردن عقل بشر در کشف حقایق زندگی
 ۳. مختر دانستن انسان
 ۴. مهم شمردن اخلاق و اخلاقیات در زندگی
 ۵. اعتقاد به جامعه‌ی باز و کثرت‌گرایی
 ۶. تأکید بر روش دموکراسی در حکومت به عنوان بهترین ضامن حقوق انسانی در برابر اقتدار فرمان‌روایان و سلطه‌جویی حاکمان
 ۷. مهم تلقی کردن گفت‌وگو میان دیدگاه‌های متفاوت به منظور سهولت تفاهم و تعامل
 ۸. ارزش‌گذاری همه‌ی ایدئولوژی‌ها به وسیله‌ی خود انسان
 ۹. مهم تلقی کردن واقعیات و حقایق عینی
 ۱۰. مهم شمردن کاربرد روش‌های علمی در پژوهش‌ها
 ۱۱. این باور که اومانیسیم یا انسان‌گرایی جانشین واقع‌بینانه و معقول برای ایدئولوژی‌های ناامیدکننده است و آدمی را به‌طور ذاتی گناهکار نمی‌پندارند.
- دیدگاه‌های معروف اگزیستانسیالیسم (اصالت بشر)، پراگماتیسم (اصالت عمل) و مارکسیسم را می‌توان مظهر انسان‌گرایی تلقی کرد. بدیهی است که همه‌ی ادیان و مذاهب، به‌ویژه دین اسلام، که یگانه دین الهی است؛ انسان را محور خود قرار داده‌اند و او را تنها مخاطب خود می‌دانند و همگی بر این باورند یا چنین ادعا می‌کنند که هدفی جز سعادت انسان ندارند.

پی‌نوشت

1. humanism

۲. توضیح دفتر مجله: مقاله‌ی دکتر شعاری‌نژاد در درباره‌ی «انسان‌گرایی یا انسان‌مداری» خواندید. بدون شک ایشان قصد دارند آموزگاران را با مفاهیم گوناگون فلسفی آشنا کنند. ولی افزودن چند نکته تکمیلی در این باره، به‌ویژه درباره‌ی مؤلفه‌های یازده‌گانه از دید فلسفه‌ی اسلامی ضروری است:
- نیازها و رغبت انسان، جنبه‌ی مقدماتی دارد و نسبی است، نه مطلق. هیچ‌گونه اصالتی ندارد، بلکه اراده‌ی تشریحی خداوند حق است، نه خواهش‌های انسانی.
- انسان واجد یقین مستقر قلبی و شهود عقلی است. نسبییت و شک‌گرایی یک پارادوکس است و انسان مختار محض نیست.
- طبق نظر فلسفه‌ی اسلامی، کثرت‌گرایی در عمل پذیرفته است، اما در عقیده و نظر پذیرفته نیست.
- وقتی می‌گوییم همه‌ی ایدئولوژی‌ها فقط به وسیله‌ی خود انسان ارزش‌گذاری می‌شود، فقط تجربه را اصل قرار می‌دهیم که غلط است.



نقش خانواده؛ از دیروز تا امروز

از آخرین دفعه‌ای که تکلیفی انجام داده‌اید، چقدر می‌گذرد؟ آیا تکلیفی را که در زمان دانش‌آموزی خود انجام داده‌اید، به یاد دارید؟ آیا می‌توانید به تکلیفی از آن اشاره کنید که بسیار تأثیرگذار بوده و انجام آن توانسته است تغییری در شما ایجاد کند؟ تا چه اندازه بزرگ‌ترها در انجام تکالیف یاری‌گر شما بودند؟

حالا به امروز و به کلاس درس خودتان بیاوید. آیا تاکنون تکلیفی تعیین کرده‌اید که بسیار تأثیرگذار بوده و توانسته‌اید تغییری را در دانش‌آموزان خود ملاحظه کنید. والدین و خانواده‌ی دانش‌آموزان شما تا چه اندازه در انجام تکالیف سهم دارند؟



دامنه‌ی حضور و دخالت خانواده از این دست تا آن جا پیش می‌رفت که گاهی تکالیفی را برای فرزندان خود در نظر می‌گرفتند و از او می‌خواستند برای محکم شدن پایه‌های یادگیری خود، آن فعالیت‌ها را انجام دهند. در این میان میزان سواد خانواده‌ها از جمله نکات قابل توجه بود. با وجود آن که گاه والدین سواد کمتری از فرزند خود داشتند، اما در زمینه‌ی انجام تکالیف توسط فرزند خود اعمال نظر می‌کردند. یکی از دلایل این رفتارها، عدم پیچیدگی آموزش و به تبع آن متنوع نبودن تکلیف بوده است. اما در آموزش و پرورش امروز، شاهد تکالیف متعددی هستیم. تکالیفی که هر کدام می‌توانند در موقعیت خاص و برای رسیدن به هدفی معین استفاده شوند. به همین دلیل انتخاب نوع تکلیف و نحوه‌ی انجام آن به مقوله‌ای تبدیل شده است که می‌بایست تنها توسط افراد دارای صلاحیت حرفه‌ای و کسانی مانند معلم که به عنوان تخصصی مهم به این امر نگاه می‌کنند، استفاده شود.

به همین دلیل بسیاری از خانواده‌ها از تعیین تکلیف برای یادگیری بیشتر فرزند خود کنار کشیده‌اند. اما این بدان معنا نیست که دیگر در تکالیف یادگیری آنان سهمی ندارند و نقشی را ایفا نمی‌کنند. بلکه ایفای نقش آنان رنگی تخصصی‌تر و شکلی متمایزتر از پیش به خود گرفته است. در برخی موارد، خانواده‌ها باید در انجام فعالیت‌های خاص فرزند خود را همراهی کنند. در برخی حالت‌ها هم باید ناظر بر نحوه‌ی انجام فعالیت مورد نظر باشند. اما این‌ها انتظاراتی است که از خانواده‌های امروزی در زمینه‌ی یادگیری و انجام تکالیف دانش‌آموزان می‌رود. در حالی که در برخی موارد نیز خانواده‌ها جایگزین تمام و کمال فرزندان برای انجام تکالیف شده و یا مکمل قابل اعتمادی (از نظر دانش‌آموز) برای انجام این وظیفه هستند.

در چنین مواقعی، از نظر دانش‌آموزان، والدین می‌توانند بسیاری از فعالیت‌هایی را که معلم برای آن‌ها در نظر گرفته است، بهتر و سریع‌تر از آنان انجام دهند و برای مثال، نیازی نیست برای برپایی نمایشگاه

این در حالی است که هرگاه سخن از خانواده و دخالت آن در یادگیری دانش‌آموز مطرح می‌شود، بیشترین سهم به انجام تکلیف مربوط می‌شود. به دیگر سخن، در انجام تکلیف، خانواده بیش از سایر فعالیت‌های یادگیری، با فرزند خود ارتباط برقرار می‌کند و در آن دخالت دارد.

مقایسه‌ی بین یادگیری دانش‌آموزان طی نسل‌های گوناگون، حاکی از آن است که تفاوت‌های بسیاری در نوع و نحوه‌ی انجام تکالیف ایجاد شده است. در آموزش و پرورش امروز، گریزی نیست از این که تکالیفی ارائه شود و خانواده در آن نقش اساسی ایفا نکند. در گذشته‌ای نه چندان دور هر نوع دخالت خانواده در انجام تکلیف کاری بسیار مطرود بود. برای مثال اگر انجام تکلیفی پیش از رسیدن پدر خانواده به منزل تمام نمی‌شد، در این صورت فرزند مورد سرزنش بزرگسالان قرار می‌گرفت و نه تنها کمکی به او نمی‌شد، بلکه حتی در برخی موارد تنبیه می‌شد و انواع محرومیت‌ها را نیز تحمل می‌کرد.

دست‌ساخته‌های دانش‌آموزان در مدرسه، آنان خود را درگیر کنند؛ چون والدین بهتر از آنان این کار را انجام خواهند داد. در سایر تکالیف نیز، این سایه‌ی نه چندان خوش‌آیند بر فعالیت‌های دانش‌آموزان تیرگی انداخته و چهره‌ی نامطلوبی را ایجاد کرده است.

چرا تکالیف؟

در یکی از جلسات آموزش خانواده، تعدادی از اولیا شرکت داشتند که نقطه‌ی اشتراک آنان مشکلات مربوط به موضوع «تکالیف دانش‌آموزی و خانواده» بود. وقتی تمام دغدغه‌های آنان را در ارتباط با تکالیف دانش‌آموزی فهرست کردم، بیشترین فراوانی به این نکته

عدم تمایل او برای انجام تکالیف دیده می‌شود. نکته‌ی بسیار جالب در بین نظرات اظهار شده، این بود که اگر خانواده‌ها این امکان و تمایل را داشتند که در سایر موارد یادگیری اعم از آموزش و نوع ارزش‌یابی هم دخالت کنند و انتظارات و نظرات خود را اعمال کنند [و از آن‌جا که این امکان مهیا نیست] تکلیف مناسب‌ترین قلمرو محسوب می‌شود.

نباید فراموش کرد که این احساس ممکن است در برخی خانواده‌ها وجود نداشته باشد، اما به هر حال از زمانی که نقش خانواده در یادگیری دانش‌آموزان مطرح شده است، مناسب‌ترین فضا برای حضور خانواده، تکالیف خارج از کلاس بوده است. تکالیف موقعیتی را فراهم می‌کند تا والدین بتوانند بدون این که در کلاس معلم حاضر شوند، از نحوه و نوع آموزش مطلع شوند، در آن، نظرات خود را به کار گیرند و آن را نقد و بررسی کنند.

هم‌چنین تکالیف زمینه‌ای را فراهم می‌آورد که فرزندان بتوانند آموخته‌های خود را با خانواده به اشتراک بگذارند. پس این اشتراک به آن‌ها احساسی مطبوع می‌دهد و به همین خاطر آنان را وادار می‌کند تا هرچه بیشتر دیگران را در انجام این کار دعوت کنند و همراهانی را از دل خانواده برای خود مهیا سازند.



تکالیف پژوهشی

در بین تکالیف خارج از مدرسه، تکالیف با محوریت مهارت‌های پژوهشی از جمله تکالیفی هستند که در عین داشتن تنوع از اثرگذاری بسیار بالایی نیز برخوردارند. امروزه تکالیف پژوهشی از متداول‌ترین تکالیف است که این امکان را به دانش‌آموز می‌دهد تا به گونه‌ای دیگر و در سطحی وسیع‌تر فکر کند و مهارت‌های پژوهشی خود را به کار بگیرد و گسترش دهد. دانش‌آموز می‌تواند در قالب یک تکالیف پژوهشی:

- ✓ محیط اطراف خود را مشاهده کند و نسبت به آن حساس شده و با توجهی خاص پدیده‌ها را مطالعه کند.
- ✓ با راه‌های جمع‌آوری اطلاعات آشنا شده و از هر منبعی در اطراف خود اطلاعات لازم را به دست آورد.

مربوط می‌شد:

«چگونه می‌توانم فرزندم را ترغیب کنم تا در انجام تکالیف مربوط به خودش، احساس مسؤلیت کند و کمتر از خانواده انتظار کمک و راهنمایی داشته باشد.»

برای این که راه‌های مناسبی پیدا کنیم، باید به دنبال دلایل و علت‌ها می‌گشتیم. وقتی بحث بیشتر باز شد و نگرانی‌های اولیا در ارتباط با نوع یادگیری دانش‌آموزان مطرح شد، موضوع به‌طور کلی تغییر کرد و معلوم شد که در بسیاری موارد این خانواده‌ها هستند که به آموزش فرزندان خود اعتماد ندارند و به همین دلیل تلاش می‌کنند تا برای ایجاد تغییراتی که به آن‌ها آرامش بیشتری می‌دهد، راهی باز کنند و نتیجه این می‌شود که به صورت بی‌مسئولیتی دانش‌آموز و با

امان از این ته کلاسی‌ها!

اعظم لاریجانی

اشاره

از این شماره، بخش «عکس و داستان» را گشوده‌ایم. در این ستون خانم اعظم لاریجانی، عکاس مجله، که خود در دنیای قصه و داستان هم‌دستی دارد، برای تصاویری که خود یا دیگر عکاسان گرفته‌اند؛ داستان‌های کوتاهی می‌نویسد که خواندنی است. شما هم می‌توانید در این کار با ما همراه شوید. برای عکس‌هایتان داستان بنویسید و برایمان ارسال کنید.

همیشه از دو سه ردیف آخر کلاس شاکی بودم. از این که همیشه یک جنب‌وجوشی ته کلاس دیده می‌شد، کفرم درمی‌آمد. امروز هم آن‌جا ولوله‌ای بود. متوجه ردوبدل کردن چیزی زیرمیز شدم. حتماً دوباره یک موشک کاغذی درست کرده بودند و منتظر فرصت بودند تا کلاس را به هم بریزند. این را از درگوشی صحبت کردنشان خوب می‌فهمیدم. این دفعه تصمیم گرفتیم، مترصد فرصت شوم و با یک خیز خودم را به ته کلاس برسانم و مدرک جرم و مجرم را با هم روانه‌ی دفتر مدرسه کنم. به این ترتیب بقیه هم حساب کارشان را می‌کردند و این بساط برچیده می‌شد. در اولین فرصتی که به نظرم مناسب بود به سرعت خودم را به ته کلاس رساندم. بچه‌ها یک دفعه از توی جامبیزی، یک دسته گل بزرگ درآوردند و جلوی چشمانم بهت‌زده‌ی من فریاد زدند: «تولدتان مبارک!»



✓ در مواجهه با اتفاقات گوناگون و در پاسخ به سؤال خود، فرضیه‌سازی کند.

✓ فرضیه‌های خود را در موقعیت‌های مناسب مورد سنجش قرار دهد و به درستی یا نادرستی آن پی ببرد.

✓ جمع‌بندی از آنچه به دست آورده را بداند و از اطلاعات خود نتیجه‌گیری کند.

✓ راه‌های ارائه‌ی گزارش را به کار گیرد تا با استفاده از بهترین راه، منظور خود را به دیگران اعلام کند.

این مثال‌ها و ده‌ها نوع دیگر از آن، پوشش‌دهنده‌ی انواعی از تکالیف پژوهشی هستند که در نوع خود بسیار تأثیرگذار بوده و انجام آن‌ها به مهارت‌های خاص نیازمند است. استفاده از این نوع تکالیف موجب شده است که هیچ‌کس جز معلمی توانمند و صاحب مهارت‌های لازم، نتواند به درستی تکالیف مناسب دانش‌آموزان را تعیین کند و از طرف دیگر انجام برخی از آن‌ها بدون کمک و هدایت بزرگ‌ترها سخت و دور از ذهن بنماید. این‌جاست که حضور و دخالت خانواده در انجام پژوهش توسط دانش‌آموز اجتناب‌ناپذیر است. در برخی موقعیت‌ها نظارت خانواده، گاهی مهیاسازی امکانات و یا شرایط انجام فعالیت و البته گاهی هم همراهی آنان در انجام تکالیف مورد نیاز است. اما کدام حضور برای کدام فعالیت مناسب است؟ خطاها کجاست و کدام نوع همراهی مناسب‌ترین نوع همراهی است؟ این سؤالات، نمونه پرسش‌هایی است که در مقالات بعدی به آن‌ها پاسخ داده خواهد شد.

